

## بررسی گویش قاین

تألیف دکتر رضا زمردیان

مشهد، آستان قدس، ۱۳۶۸، ۲۱۱ ص

این کتاب یکی از بهترین کتابهایی است که تاکنون در توصیف یکی از گویشهای محلی ایران به زبان فارسی نوشته شده است. مؤلف استاد زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی است و گویش قاین زبان مادری او است. کتاب از یک پیش‌گفتار کوتاه درباره تاریخ و جغرافیای قاین و هفت بخش به شرح زیر تشکیل شده است: بخش نخست: توصیف واجی؛ بخش دوم: مقایسه آوایی میان فارسی رسمی و گویش قاین؛ بخش سوم: صرف (ساخت‌شناسی)؛ بخش چهارم: دستگاه فعل؛ بخش پنجم: نحو؛ بخش ششم: ساختمان واژه؛ بخش هفتم: واژگان.

مؤلف در بخش نخست (ص ۲۴-۷) توصیف خوبی از صامتها و مصوتهای قاینی به دست داده است. در توصیف واجها، بر طبق روش معمول زبان‌شناسان، اصل را بر تقابل گذاشته و هویت واجی آواها را بر این مبنا ثابت کرده است. بر اساس این توصیف در قاینی ۲۲ صامت وجود دارد. این نظام، با استثنای واج /z/ که در قاینی نیست، مانند دستگاه صامتهای فارسی است. البته صامتهای قاینی از نظر توزیع نیز با صامتهای فارسی تفاوت دارند. مثلاً به گفته مؤلف (ص ۱۴) واجهای /و/، /ه-، /ء/ در پایان کلمه نمی‌آیند. همچنین تقابل میان /پ- /ب-، /ت- /د- و /ک- /گ/ در پایان کلمه خنثی میشود. مؤلف /z/ را در کلمات «ازدها» و «هیژده» گونه‌ای از واج /ج/ می‌داند که مشروط به قرار گرفتن قبل از واج /د/

است. با اینهمه می بینیم که در کلمه «نزه» *nažɛ* (انتهای کلاله زعفران و سوراخ ته تنوره آسیا)، /ž/ قبل از /d/ قرار نگرفته است. به نظر میرسد که /ž/ در قایینی بعنوان واج وجود دارد اما بسامد آن بسیار کم است. بهتر بود مؤلف در اینجا به جای حروف فارسی برای نشان دادن واجها از الفبای آواشناسی بین المللی استفاده میکرد.

دستگاه مصوتهای قایینی غنی است و از ۱۴ مصوت ساده و مرکب تشکیل شده است. مصوتهایی که در فارسی وجود ندارند عبارت اند از *ɛ, ē, ē̄, ē̄̄, ai, aī, aī̄, au*. *ɛ* مصوت پیشین نیم باز است. تمام اسم مفعولهای قایینی به این مصوت ختم میشوند، در صورتیکه مصدرها دارای مصوت پایانی *ɛ*: *koštɛ* (کشته) در مقابل *košta* (کشتن).

مؤلف برای ظهور این مصوت در موضع آغازی مثالی به دست نداده است و ظاهر این است که این واج در آغاز کلمات وجود ندارد. وجود مصوت مرکب /ai/ نیز با مثالهایی که در ص ۱۸ داده شده مسلم نیست. *vai* (به او) مرکب از *va* و *i* (او) است. همین طور است *rai* به معنی روانه، راهی. آنچه در پایان این کلمات وجود دارد مصوت /i/ است، اما در کلمه *rei* (شهری). اگر تلفظ آن مانند تلفظ فارسی رسمی باشد - عنصر پایانی نیم مصوت /y/ است.

در بخش دوم (ص ۴۰-۲۵) مقایسه آوایی دقیقی میان کلمات مشترک قایینی - فارسی به عمل آمده و ابدالهایی که در قایینی، در مقایسه با فارسی، پیش آمده مشخص گشته است. مثلاً در ص ۲۵ گفته شده که کلیه *ân*-های پایانی کلمات فارسی در قایینی به شکل *u*- و کلیه *âm*-های پایانی به صورت *om*- تلفظ میشوند. با اینهمه از دو مثال *Ĵândâr* (ژاندارم) و *ĵiyân* (اتوموبیل ژبان) که در ص ۳۵ ذکر شده برمی آید که این قاعده کلمات جدیدی را که از فارسی وارد قایینی میشوند در بر نمیگیرد.

در بخش سوم (ص ۶۰-۴۱) از نشانه‌های جمع، اضافه، معرفه و نکره، حروف اضافه، صفت، قید، عدد و ضمیر بصورتی دقیق و علمی گفتگو شده است. در قسمت نشانه‌های جمع می بینیم که نشانه جمع اسمها در قایینی تکواژ {-u} است: *gorgu* (گرگها)، *badomu* (بادامها)، *berenĵu* (برنجها) و غیره، اما در کلماتی که در فارسی به *ân* - یا *un* - ختم میشوند و در قایینی به *u* -، در جمع میان *u* پایانی و *u* نشانه جمع صامت *n* ظاهر میشود: *nunu* (نانها)، *savunu* (صابونها).

در ص ۵۰ گفته شده که هرگاه مضاف به یکی از واجهای /m, y, u, ou/ ختم شود کسره اضافه ظاهر نمیشود، مانند *badom kefmâl* (بادام کاغذی)، *ĉây baruti* (چای باروتی)، *šou* (شب نوروز). در ص ۴۸ نیز گفته شده که وقتی به دنبال *ik* کلمه جمع، مضاف الیه یا

صفت افزوده شود پس از u صامت n اضافه میشود: divālun bâq (دیوارهای باغ)، kaušun sadε (کفشهای ساده). وجود n در اینجا به عنوان صامت میانجی نشان میدهد که کسرۀ اضافه در اینجا در زیر ساخت وجود دارد و در روستا ساخت n جای آن را گرفته است. البته از همین دیدگاه میتوان گفت که n نیز در اینگونه کلمات (کلمات مختم به u مانند nun، نان) در زیر ساخت حاضر است.

حرف اضافه‌ای که در قایینی هست و در فارسی نیست h.ε (به، بسوی، در) است. ضمیر ملکی سوم شخص مفرد قایینی نیز بجای e/aš - فارسی، i - است. xod در ص ۵۷ ضمیر هویت نامیده شده، اما زبان شناسان آن را ضمیر تأکیدی مینامند: ma xode ma ver goftom (من خودم گفتم).

بخش چهارم (ص ۹۴-۶۱) به دستگاه فعل اختصاص دارد و در آن توصیف دقیقی از فعل قایینی ارائه شده است. مباحث این بخش عبارت‌اند از ریشه‌ها (ماده‌ها)ی فعل، تغییرات ریشه‌ها، پیشوندهای فعلی، دگرگونی پیشوندها، زمانها و وجوه افعال. مؤلف در اینجا عناصری مانند va و ver را که فعلهای پیشوندی با آنها ساخته میشوند و اجزائی مانند be و me (می) را که در صرف زمانها و وجوه افعال قایینی دخالت دارند پیشوند فعلی نامیده است، اما حق بود که برای آنها دو نام جداگانه به کار میرفت.

در ص ۶۵ گفته شد: «هنگامی که بعد از مصوت /a/ ریشه‌ی حال فعلهای کشته keš(t) و kešta/kar «کاشتن»، بفته baft و bâf و baft و bafta/baf «بافتن»... ضمیر شخصی نیامده باشد، این مصوت بصورت [â] ظاهر میشود.»، اما در مثالهایی که در پایین همین صفحه از صرف فعل آینده bafta (بافتن) ذکر شده، دیده میشود که در سه صیغۀ جمع با آنکه شناسه به کار رفته، مصوت به صورت â باقی مانده است: bexε bâftei و bexε bâftem ...

در ص ۷۶ گفته شده که مصوت پیشوندهای be و me (می) قبل از فعلهایی که ماده آنها دارای مصوت o یا u است با این مصوتها هماهنگ میشود و بصورت bo و mo درمی آید و در ص ۷۷ اضافه شده که فعلهای duxta, suxta, va-ronda, (شخم زدن)، jonda (دزدیدن) و šosta از این قاعده مستثنی هستند: mesuzom بجای mosuzom\*. نگاهی به این فعلها نشان میدهد که همه آنها با يك صامت نوک زبانی (apical) یا تیغهای (coronal) شروع میشوند. بنابراین نوعی قاعده بر این استثنا حاکم است.

در ص ۸۵ برای medarom (میدارم) در برابر darom (دارم) اصطلاح «حال آینده» به کار رفته که چندان روشن نیست.

نکتۀ جالب در صرف فعل آینده قایینی این است که میان سه صیغۀ مفرد با سه صیغۀ جمع

تفاوت صرفی وجود دارد: boxom bor (خواهم برد)، bexei bor (خواهی برد)، اما bex bordem (خواهیم برد)، bex ε bordei (خواهید برد) (ص ۶۳). دیگر از ویژگیهای جالب فعل قاینی استعمال افعال پیشوندی است. اضافه شدن سه پیشوند فعلی va/vâ, va/ver, va/dε به تعدادی از فعلهای بسیط معنی آنها را بکلی دگرگون میکند، همچنانکه در فارسی قدیم و تا حدی در فارسی معاصر چنین است. به مثالهای زیر توجه کنید:

morda	~	va morda	(خاموش شدن)
dεvida	~	va d vida	(پخش شدن)
eškεsta	~	ver eškεsta	(بالا زدن آستین) <sup>۱</sup>
malida	~	ver malida	(بالا زدن پاچه شلوار)
gešta	~	dεgešta	(نیم دور زدن)
bεsta	~	dεbesta	(بستن، ضد باز کردن).

وسیلهٔ طلسم ~

در بخش پنجم (ص ۱۰۷-۹۵) که به نحو اختصاص دارد از نهاد، گزاره، تطابق نهاد با فعل، rε(r) (را)، نقش حروف اضافه، وجه کیفی، پیوند، ترتیب کلمات، پرسش و تعجب، پیوستگی جمله‌ها، جمله‌های پیر و یعنی جمله‌های موصولی، تکمیلی، موقتی، پایانی، سببی، مقایسه‌ای و شرطی بحث شده است.

آنچه مولف آن را وجه کیفی نامیده همان قید حالت و باصطلاح وجه وصفی است، مانند «گریه کنان» و «از راه نرسیده» در جمله «از راه نرسیده نان طلب میکنند» و البته در قید و وجه وصفی زمان وجود ندارد. نام جمله‌های «موقتی» و «پایانی» نیز درست نیست. این دو کلمه ترجمهٔ temporal و final است که باید به زمانی و غائی ترجمه شود. مثال جمله‌های زمانی در کتاب جمله «همینکه مرادید پنهان شد» و مثال جمله‌های غائی جمله «سوار شو تا برویم» است. فصل ششم (ص ۱۱۸-۱۰۹) به ساختمان واژه اختصاص دارد و در آن از اشتقاق به کمک پسوندها و پیشوندها و ترکیب گفتگو شده است. ترکیب و اشتقاق در گویش قاینی با ترکیب و اشتقاق در فارسی تفاوتی ندارد ووندهای هر دو زبان مشترکند، جز پسوند εgε در قاینی که به

۱. در اشعار حافظ نیز «برشکستن» به معنی بالا زدن (کلاه یا زلف) به کار رفته است:

گو شه‌گیران انتظار جلوهٔ خوش می‌کنند  
برشکن طرف کلاه و برقع از رخ برفکن

نیز:

چو بر شکست صبا زلف عنبر افشانش  
به هر شکسته که پیوست تازه شد جانش

اسمها اضافه میشود و حسامت و بزرگی را میرساند: segeg (سگ بزرگ)، sibeg (سیب بزرگ). دو پسوند -uk و -ok نیز معادل -u و -ak در فارسی است: sermauk (سرمائو)، baqok (باغک، باغ کوچک) و غیره.

به بخش واژگان ۸۶ صفحه (ص ۲۰۴-۱۱۹) اختصاص یافته و پس از آن يك مکالمه با برابر فارسی آن در دو صفحه و چند حکایت با ترجمه فارسی آنها باز در دو صفحه آمده است. پایان بخش کتاب جدولی از صرف ۳۳ فعل در صفحات ۱۱-۲۱۰ است.

در واژگان کتاب بسیاری از واژه‌های قدیمی فارسی که در متون آمده، اما امروز دیگر در فارسی رسمی متداول نیست دیده میشود. بیشک این واژه‌ها برای تعیین معنای دقیق واژه‌های به کار رفته در متون بسیار مفید است. يك نمونه از آنها واژه «برشکستن» است که قبلاً نقل کردیم. اینک نمونه‌هایی دیگر:

paliz (پالیز، جالیز)، pud (پوده، چوب پوک و تو خالی)، balmay (بالوایه (نام پرنده‌ای)، در ص ۳۳ خفاش معنی شده)، bahu (بازو، باهو)، peyus kerda (میل کردن، قس. پیوس، بیوس، بدوس و بیوسیدن در متون فارسی)، tugi (آش ارزن که با روغن یا شیر پخته میشود)، قس. توگی به معنی نوعی ارزن در آثار و احیاء رشیدالدین فضل‌الله، ص ۱۴۴، ۱۴۵)، jorj (گاو نر دو ساله و نیز جوان و نیر و مند. قس. جرّه باز به معنی باز نر در متون)، ješt enâ (نفرت و کینه، مرکب از Jēšt (زشت) و پسوند اسم مصدری -nâ. در فارسی «زشتی» به این معنی نیست اما در زبان پارسی معادل این کلمه به همین معنی است)، Jal (تگرگ، ژاله)، Jenger (جنگلی و جنگجو. این کلمه در قم به شکل jangale به کار میرود، اما در خلاصه التواریخ قاضی احمد قمی به صورت «جنگره» به کار رفته و ظاهراً از jangâ (va)r و پسوند -e ساخته شده است)، čašt (غذای ظهر)، čušida (مکیدن، چوشیدن)، xaš (مادرزن و مادرشوهر. قس. خش در متون)، x 3 nd ε x ε reš (مضحکه. قس. خنده خریش در فرهنگها و متون)، xid (مزرعه و کشتزار. قس. خوید)، dorvâx (سالم و تندرست. قس. درواخ در طبقات الصوفیه و کشف الاسرار. در کرمان نیز به شکل دُر باخ به کار میرود)، daq ser (گنجشک نر، داغ سر)، douxâh (داوطلب، داوخواه)، dahul (داهول، مترسک)، zâd (سن)، zolfi (زرین، چفت در) zayıč (زائو، زاج)، somaruq (قارچ، سماروغ)، šenbolk (سپم گوسفند. قس. زنکله و ژنکله در فرهنگها و شنگل در تفسیر قرآن پاک)، ferâšâ (حالتی که قبل از تب به انسان دست میدهد. قس. فراشا در فرهنگها)، falude (غذائی که از آرد گندم بوداده، شیرۀ انگور یا شکر با روغن و برخی ادویه‌جات درست می‌کنند. قس. فالودق و فالودج و پالوده در فرهنگها)، qâl (لانه پرندهگان. قس کال به معنی جایگاه در فرهنگها)، gezdom (کزدم، گزدم)، nemâzdeger (نماز

دیگر، عصر)، varq (ورغ، برغ، سدّ. رك ص ۱۹ و ۳۳)؛ verhemênâ (بیهوده، عبث. قس. برهمانا در متون)، hiz (ترسو).  
 البته در متن کتاب نیز بعضی واژه‌ها آمده که در واژه‌نامه ثبت نشده است، مانند باد (گهواره. رك. ذیل «بچو»). باد در فرهنگها نیز ضبط شده است)، buvax (زود، مثلا صبح، ص ۱۰۲)، pat (مو، ص ۱۹)، pat pat (تکه‌تکه، ص ۱۱۸)، peransou (پریشب، ص ۵۵)، penne (پره، مانند پره بینی)، pusik kenda (نشگون گرفتن، ص ۸۱)، pahe (پائین، ص ۵۵)، tažqa (ظرف بزرگ مسی، ص ۳۴)، tenxâ (جنس مغازه‌ها، ص ۲۰)، tud (توت، ص ۱۹)، dεrrou (زود، ص ۵۴)، daqidε (تماس پیدا کرده، مثلا لحاف با منقل، ص ۵۱)، rend (موریانه، ص ۴۲)، šelte (تکان دادن مایع، ص ۲۰)، qan (جهت، سو، ص ۱۰۰)، ketel (لباس کهنه و پاره، ص ۱۹)، korpe (تشك، ص ۲۰)، koš koš zεnu (نفس زنان، ص ۵۴)، kolle (قوزك پا، ص ۱۱)، konj (ته سیگار، ص ۱۹)، mesker (مسگر، ص ۲۰)، vei (ربع در مورد آرد و برنج، ص ۱۸).  
 توفیق مؤلف دانشمند کتاب را آرزومندیم.

دکتر علی اشرف صادقی

## لقمان

نشریه مرکز نشر دانشگاهی به زبان فرانسه

سال ششم، شماره اول

با مطالب زیر منتشر شد

■ ادیان ایران باستان در داستانهای فلسفی ولتر:

جواد حدیدی

■ علم و هنر در ایران قرن یازدهم:

دومینیک ترابی

■ زبان نشانه‌ها در فرهنگهای مختلف:

آنماری موثقی

■ از صورت تا معنا، نگاهی به شعر حافظ:

کلود - کلر کیلر

■ عرفان سعدی: جعفر آقابانی جاوشی

■ در تقدیس حافظ: لئوناردو کلریچی

■ برگ سبز، يك شعر عرفانی:

ترجمه محمود روح‌الامینی

## کنفرانس بررسی مسائل ترجمه

۱۶ - ۱۴ مهرماه ۱۳۶۹

دانشگاه تبریز

■ دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی

■ گروه زبان انگلیسی



## درخواست از نویسندگان و مترجمان

۱. از خوانندگان، علاقه‌مندان به مسائل زبانشناسی و صاحب نظران تقاضا می‌شود مقاله‌های خود را به نشانی زیر بفرستند:  
گروه زبانشناسی، مرکز نشر دانشگاهی، خیابان پارك، شماره ۸۵.
  ۲. مقالات (دستنویس یا نسخه تایپ شده) تا آنجا که ممکن است به دور از زیاده‌گویی، با خطی خوانا و یک خط در میان، شامل نام و نشانی مترجم (در مورد مقالات ترجمه شده) یا نویسنده و مؤسسه‌ای که وی در آن به کار مشغول است (در مورد مقالات تألیفی) باشد.
  ۳. متن اصلی مقالات ترجمه شده و فهرست منابع مقالات تألیفی حتماً باید روی صفحه جداگانه همراه مقاله فرستاده شود.
  ۴. مقالات تحقیقی حتماً باید مستند به تحقیقات قبلی با ذکر مأخذ باشد.
  ۵. معادلهای فرهنگی اعلام و اصطلاحات نامأنوس در کنار آنها داخل پرانتز بیاید. از دادن معادلهای غیر لازم اجتناب شود.
  ۶. مجله در اصلاح مقالاتی که نیاز به ویرایش داشته باشد آزاد است.
  ۷. برای ارجاع به کتابها و مقالات به ترتیب زیر عمل شود:  
ابتدا کلیه منابع مقاله را اعم از کتاب و مقاله برحسب نام خانوادگی نویسنده در فهرستی الفبایی تنظیم کنید تا کتابنامه (bibliography) آماده شود. ترتیب اجزای منابع کتابنامه به صورت زیر باشد:  
Chomsky, N., 1957, *Syntactic Structures*, The Hague, Mouton.  
Tollefson J., 1983, «Language Policy and Meaning of Diglossia», *Word*, XX, PP. 10-15
- سپس در داخل مقاله هر جا که لزوم ارجاع پیش آمد، در داخل پرانتز نام نویسنده، تاریخ چاپ کتاب و شماره صفحه آن را ذکر کنید. مثلاً (جامسکی ۱۹۵۷، ۳۸-۳۶) یا (تالفسون ۱۹۸۳). در مورد ارجاع به مقالات، شماره صفحه در خود کتابنامه می‌آید. منابع فارسی نیز به طور جداگانه قبل یا بعد از کتابنامه خارجی (بسته به بزرگتر یا کوچکتر بودن آن) می‌آید و روال ارجاع بدان نیز عیناً همان کتابنامه خارجی است.